

چگونگی بازنمایی جنبش‌های مردمی کشورهای اسلامی در اخبار شبکه خبر

دکتر تژا میرفخرایی*

علی میرزایی تابش**

هدف از نگارش این مقاله تحلیل تصویر ارائه شده بوسیله شبکه خبر از جنبش‌های مردمی در کشورهای اسلامی می باشد. که برای نیل به این مهم از روش تحلیل گفتمان اجتماعی استفاده شده است. هر قطعه خبری بطور جداگانه و به شکلی نظام‌مند تحلیل شده است که در اینجا جمع بندی کلانی از تحلیل های جداگانه ارائه می گردد.

نتایج نشان می‌دهد که در کل شبکه خبر رویکردی حمایتی از این جنبش‌های مردمی داشته است. شبکه خبر چنین نماینده است که برخی از کشورها نظیر آمریکا و انگلیس خواهان منحرف و یا متوقف کردن جریان این جنبش‌ها هستند. همچنین این جنبش‌ها را دارای ریشه ای اسلامی نشان داده است. از سوی دیگر حاکمان کشورهای درگیر بحران (تونس، مصر، لیبی، بحرین، یمن) خودکامه و دیکتاتور تصویر شده‌اند. مردم در این کشورها با اعتراض و قیام خود بدنبال انقلاب نشان داده شده‌اند نه اصلاحات و یا تغییر. ماحصل این تحقیق نشان می‌دهد همچنین شبکه خبر این انقلابات را موجی بدنبال انقلاب ایران نشان داده است.

واژه‌های کلیدی: جنبش، کشورهای اسلامی، شبکه خبر، اخبار، بازنمایی، گفتمان

tejavaice@gmail.com
tabesham@gmail.com

* استاد یار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
** دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

جهان در طول تاریخ همواره در حال گذراندن رویدادها و جریانات مختلف و متفاوت بوده است. جنگ‌ها، انقلاب‌ها و شورش‌ها، اتفاقاتی بوده‌اند که همواره در طول تاریخ رخ داده و ثبت گردیده‌اند. اتفاقاتی نظیر تظاهرات‌های مردمی برای احقاق حقوق شهروندی یا کسب آزادی‌های اجتماعی از محصولات دموکراسی در قرن اخیر بوده است.

از سوی دیگر می‌دانیم که رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند، زیرا رسانه‌ها نوعی میانجی بین آگاهی‌های فردی و ساختار گسترده تر اجتماعی و سازنده معنا هستند. امروزه با توسعه وسائل ارتباط جمعی نظیر رادیو تلویزیون ماهواره‌ها و اینترنت گردش اخبار این رویدادها در سراسر جهان بسیار شتاب یافته است، بطوریکه اخبار تظاهرات گروه کوچکی در آن سوی دنیا با جزئیات در اختیار مردم سایر نقاط قرار می‌گیرد.

در این میان نقش مهم رسانه‌های گروهی خبرگزاری‌ها و شبکه‌های خبری تلویزیونی بر کسی پوشیده نیست. پر واضح است که هر رسانه بنا بر نوع مالکیت و هدف خود سیاست‌ها و روش‌هایی جداگانه در پیش می‌گیرد تا افکار عمومی را در جهتی که میل دارد سوق دهد. از این رو است که یک خبر واحد در هر خبرگزاری و شبکه با کلمات و تصاویری متفاوت بازنمایی می‌شود. این گونه است که افکار عمومی در مورد یک حقیقت دیدگاه و نقاط نظر مختلفی دارند. در هیاهوی اخبار روز، ساده نیست که به ارائه و عرضه طرح‌های ایجابی و مثبتی پرداخت که در دیگر حومه‌ها می‌گذرد. (پیر سرو نت، 1387: 138)

از فوریه 2011 شروع حرکت‌های مردمی و گسترش اعتراضات علیه حاکمان در چند کشور اسلامی سوژه‌ایی پر اهمیت برای بسیاری از خبرگزاری‌ها و نشریات و کانال‌های تلویزیونی گردید. این جریانات همچون شعله آتش از تونس و مصر حرکت و به نقاط دیگر سرایت کرد به نحوی که با گذشت کمتر از یک سال چند کشور از جمله تونس یمن لیبی و بحرین درگیر آن شدند هرچند این جنبش‌ها و اعتراضات دارای تفاوت‌هایی بود اما شکل‌گیری متواتر آنها هر ذهنی را بر این باور استوار ساخت که این موج و جریانات شاید دلایلی مشابه داشته باشد.

اینک با گذشت حدود یک سال از آغاز این موج در میدان تحریر قاهره مردم مصر و لیبی و تونس حاکمان خود را از مسند قدرت به زیر کشیده‌اند و در یمن و بحرین همچنان جنبش‌ها در جریان است. این روند در حال حاضر و از همان آغاز به لحاظ داشتن ارزش‌های خبری گوناگون برای رسانه‌های منطقه خاور میانه و بعد رسانه‌های فرامنطقه‌ایی به سوژه‌ایی جذاب تبدیل شد. پس از دخالت‌های نظامی ناتو در لیبی، این امر بین‌المللی تر شد اکنون کمتر انسانی بر روی کره خاکی خواهید یافت که خبری از این وقایع دریافت نکرده باشد. کوره این جریانات هر روز داغ‌تر میشد و تحولات این جریانات روز به روز در اخبار به تصویر کشیده می‌شد. این موضوع نسبت به سایر موضوعات خبری معمولاً در صدر قرار می‌گرفت و خلاصه همانند گسترش اعتراضات، حجم خبر‌های آن نیز به شکلی چشم‌گیر در همه شبکه‌ها افزایش یافت.

رسانه های کشور ما، ایران نیز به سبب ارزش‌های چندگانه این اخبار نظیر مجاورت فرهنگی (به سبب مسلمان بودن کشورهای درگیر بحران) مجاورت جغرافیایی (نزدیک بودن کشورهای که حرکت‌های مردمی در آن‌ها شکل گرفت) تازگی (رخدادهای تازه در نتیجه تحرکات مردمی و واکنش حاکمان و سایر کشورها) و برخورد (ایجاد درگیری میان تظاهرکنندگان و نیروهای امنیتی) این اخبار را به شکل وسیعی تحت پوشش قرار دادند.

از جنبش مردم این کشورها در رسانه‌های گوناگون با عناوین مختلفی یاد شده که بیان‌کنندگان هر کدام دلایل خود را دارند. برخی از تحلیل‌گران غربی و داخلی، نا آرامی‌ها و انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی را تحت عنوان «بهار عربی» مفهوم بندی کرده و آنها را حرکت‌هایی دمکراسی خواهانه و ضد استبدادی صرف معرفی می‌نمایند. در مقابل دیدگاهی وجود دارد که نا آرامی‌های اخیر را «بیداری اسلامی» در نظر می‌گیرد. از این لحاظ، نشانه‌ها و نمودهای اسلامی قیام‌ها و انقلابات اخیر در کشورهای عربی را بیشتر می‌توان در قالب «بیداری اسلامی» و خواسته‌ها و مطالبات اعلام شده مردم، نمادها، شعارهای مذهبی قیام‌ها و راه پیمایی‌ها و مواردی از این قبیل ارزیابی کرد. در هر حال هر کدام از این دو نام بیانگر نوعی جنبش مردمی است، هرچند هر کدام از این نظرها خواستگاه این جنبش‌ها را در علل متفاوتی می‌جویند. تقریباً در همه بخش‌های خبری در تمام شبکه‌های ایران هر روز می‌توانید خبری در این باره ببینید و بشنوید.

اخیراً خبرنگارانی به این کشورها از جمله لیبی اعزام شده اند و در همان ابتدا نیز تصاویر مردم معترض مصر بطور زنده روی آنتن می‌رفت. در میان مجراهای مختلف پخش اخبار شبکه خبر¹ به عنوان تنها کانال تلویزیونی که مختص پخش اخبار است اخبار این رویدادها و تحولات کشورها را همواره منعکس و گاهی با حضور کارشناسان بررسی نموده است.

رسانه‌های مختلف با توجه به آنچه پیشتر در باب سیاست‌ها و اهداف یک رسانه خاطر نشان کردیم این اخبار را به اشکال گوناگون بازنمایی و تصویر کرده اند. آنچه بر کسی پوشیده نیست وجود اخبار این جنبش‌های مردمی در میان اخبار بیشتر رسانه‌ها است. البته بطور معمول هر رسانه این وقایع را به نوعی بازنمایی کرده است. امروزه به مدد رسانه‌های متنوع مخاطبان گزینه‌های زیادی برای کسب اخبار درباره موضوع دلخواه خود دارند اما تلویزیون همچنان جایگاه مهمی در این بین داشته و شبکه‌های خبری تلویزیونی همواره مورد توجه بوده اند. اهمیت اجتماعی و سیاسی برنامه‌های خبری در سراسر جهان روز به روز افزایش می‌یابد. شاهد این مدعا رشد کمی و کیفی برنامه‌های خبری در سراسر جهان است. برنامه‌های خبری که در آغاز تنها پانزده دقیقه از پخش تلویزیونی را به خود اختصاص می‌دادند اینک معمولاً به طور متوسط در هفته حدود هفتاد ساعت از این زمان را به خود اختصاص می‌دهند و شبکه‌هایی ایجاد شده‌اند که در طول شبانه‌روز تنها برنامه‌های خبری پخش می‌کنند (میرفخرایی، 1385: 5 - 6). نقش پر اهمیت اخبار در جوامع امروزی از زوایای گوناگونی قابل تعریف است بطور مثال کارکرد گرایان در تعریف نقش خبر در جوامع امروزی، خبر را زمینه ساز مشارکت سیاسی فرد به مثابه شهروند در گستره عمومی می‌دانند، اما زمینه‌سازی امر مشارکت امکان‌پذیر نخواهد بود مگر از طریق ارائه نظرها و دیدگاه‌های مختلف تحمل شده در سطح جامعه به مثابه بخشی از اطلاعات صحیح و متعادلی که یک شهروند برای تعیین سرنوشت خود نیازمند آنهاست (همان: 6 - 7). گرچه

¹. IRINN

متأسفانه اخبار عمدتاً مغلوب راهکارهای به دقت تنظیم شده و شبه رویداد های ترتیب داده شده به دست آن دسته از مسولان روابط عمومی می‌شد که در اختیار گروه های قدرت بودند و از سوی دیگر، صاحبان صنایع و سرمایه با تملک رسانه‌ها، برای ابراز نظرهای خود، دسترسی آسان تری به برنامه‌های خبری پیدا می‌کردند، اما این همه باعث نمی‌شود تا کلیت تعریف کارکردگرایان را رد کنیم. گرچه دیدگاه انتقادی نظر کارکردگرایان را رد می‌کند، اما کارکردگرایان توانسته اند نقش و اهمیت اخبار را در جوامع مدنی امروز، به درستی تعریف و دسته بندی کنند(همان، 8 - 9). اهمیت اخبار باعث می‌شود تا بسیاری از محققان به بررسی تأثیرات آن بپردازند.

اگر نظر دنیس مک کوئیل در زمینه تأثیرات انگاره‌سازی برنامه‌های خبری مورد قبول واقع شود، آن‌گاه باید نتیجه گرفت که اخبار، به ویژه در جوامع مدنی امروز، دارای قدرتی بسیار عظیم است. بنابر این بسیار طبیعی خواهد بود که از برنامه‌های خبری دائماً، به شکل هنجاری برای بسط و گسترش یا حتی شکل‌دهی ارزش‌ها و باورهای اجتماعی مشخص و معینی استفاده شود(همان: 11 - 12). آنچه در این مقدمه در باره اخبار و وقایع کشورهای اسلامی و نحوه پوشش این اخبار توسط رسانه‌ها آمد در جهت آماده‌سازی ذهن خوانندگان مقاله پیش رو و آشنایی با کلیات مسائل است.

خلاصه ایی درباره شبکه خبر

شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران با هدف اطلاع رسانی و تنویر افکار عمومی در تاریخ 78/8/2 به صورت آزمایشی فعالیت رسانه ای خود را آغاز نمود و پس از یکماه فعالیت آزمایشی، در تاریخ 78/9/2 در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های تعیین شده رسماً به ادامه فعالیت پرداخت. شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران که در تداول عامه با نام شبکه خبر و یا کانال شش شناخته می‌شود، یکی از شبکه‌های تلویزیونی دولتی کشور ایران است که در مجموعه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مدیریت می‌شود.

این شبکه به سبک شبکه‌های خبری مشهور جهان به پخش اخبار کوتاه و مشروح و برنامه‌های تحلیل خبر می‌پردازد. شبکه خبر توسط معاونت سیاسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران اداره می‌شود، اما از واحد مرکزی خبر صدا و سیما مجزا است. با این وجود گزارش‌ها و تصاویر ارسالی توسط خبرنگاران واحد مرکزی خبر در شهرستان‌ها و کشورهای خارجی توسط شبکه خبر نیز پخش می‌شود. به همین دلیل این شبکه به جز خبرنگار مستقر در لندن، در خارج از شهر تهران فاقد دفتر نمایندگی است. خبرنگاران این شبکه برای پوشش برخی رخداد های مهم به مأموریت‌های خارج از تهران نیز اعزام می‌شوند(سایت ویکی‌پدیا - مرداد 90)

بازنمایی

"بازنمایی" تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. به این معنی که "معنا" از طریق نشانه‌ها، به ویژه زبان تولید می‌شود. زبان سازنده معنا برای اشیاء مادی و رویه های اجتماعی است و صرفاً واسطه‌ای خنثی و بی‌طرف برای صورت بندی معانی و معرفت درباره جهان نیست. فرایند تولید معنا از طریق زبان را رویه‌های دلالت می‌نامند. لذا آنچه واقعیت نامیده می‌شود خارج از فرایند "بازنمایی" نیست. البته این بدان معنا نیست که هیچ جهان

مادی واقعی وجود ندارد، بلکه مهم معنایی است که به جهان مادی داده می شود. استوارت هال می گوید: «هیچ چیز معناداری خارج از گفتمان وجود ندارد؛ و مطالعات رسانه ای وظیفه اش سنجش شکاف میان واقعیت و بازنمایی نیست بلکه تلاش برای شناخت این نکته است که معانی به چه نحوی از طریق روبه‌ها و صورت بندی‌های گفتمانی تولید می‌شود.

از دیدگاه هال، ما جهان را از طریق بازنمایی می سازیم و بازسازی می‌کنیم، هال استدلال می‌کند واقعیت به نحو معنادار وجود ندارد و بازنمایی یکی از شیوه های کلیدی تولید معناست. معنا صریح یا شفاف نیست و از طریق بازنمایی در گذر زمان، یک دست باقی نمی‌ماند. معنا بی ثبات یا لغزنده است و همیشه برای هم طنین شدن با موقعیت‌های جدید مورد مذاکره قرار می گیرد و تغییر می یابد، اغلب مورد مجادله بوده و هرازگاهی به شدت بر سر آن جنگ شده‌است ... معانی به شدت در رابطه با قدرت ثبت و حک می‌شوند (مهدی زاده، 1387: 15-64).

نمونه مورد بررسی: مدت 20 روز از تاریخ 2011/5/20 برابر با 90/2/30 تا 2011/6/8 برابر با 90/3/18 اخبار شبکه خبر در دو بخش خبری 13 و 19 که بخش های اصلی خبری این شبکه‌اند به عنوان جامعه نمونه انتخاب گردیده است. علت انتخاب این برهه وجود تعداد بیشتری اخبار در ارتباط با جنبش‌های مردمی در کشورهای اسلامی بوده است. تصاویر این دو بخش خبری بر روی لوح فشرده ضبط شد و متن های نوشتاری آن پیاده گردید. بخش خبری 19 معمولا 30 دقیقه و بخش 13 در حدود 45 دقیقه بوده است. در کل 40 بخش خبری شامل 20 روز یعنی هر روز 2 بخش خبری جامعه نمونه را تشکیل داده است. تک تک خبر ها تحلیل گفتمان شد و نتایج از تحلیل ها استخراج گردیده است.

روش تحقیق: برای تحلیل یکایک اخبار از روش تحلیل گفتمان اجتماعی با تکیه بر نظریه تئون ای ون دایک استفاده شده. این روش از نظر ون دایک برای تحقیقات دانشگاهی بهتر از تحلیل گفتمان انتقادی است. چرا که روش انتقادی با یک سوگیری از پیش همراه است. لازم به ذکر است شخص ون دایک تحقیقات زیادی درباره مسائل زنان، جنسیت و تبعیض نژادی و... با روش تحلیل گفتمان انتقادی انجام داده است، اما برای تحقیقات آکادمیک توصیه می نماید تا تحلیل گفتمان اجتماعی (در نظر گرفتن شرایط اجتماعی زمانی و موقعیت گفتمان بدون داشتن گرایش) بکار بسته شود. بدین منظور در این تحقیق کوشیده ایم روش ون دایک را با اسلوب ساده سازی شده دکتر میرفخرایی به شکلی دقیق بکار بندیم. از این رو خبر ها را در 4 سطح بررسی نمودیم

1-سطح سطح 2-عمق سطح 3-سطح عمق 4-عمق عمق. توضیح کوتاه اینکه این 4 مرحله در واقع از هم جدا نیستند و تحلیل ها هم زمان و در زمان انجام می شود. برای درک درست بهتر است این مراحل را طیفی در نظر بگیریم که از شکل و ترتیب کلمه و جمله آغاز می گردد به بار مثبت و منفی کلمات می‌رسد به ورای مفهوم ظاهری می‌رود و در نهایت دانش مخاطب را هم پوشش می دهد.

تاریخچه تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به «سخن کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است، یک گرایش بین رشته‌ای است که از اواسط دهه 1960 تا اواسط دهه 1970 در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. از این گرایش، به دلیل بین رشته‌ای بودن خیلی زود به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی استقبال شد.

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال 1952 در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس به کار رفته است. زلیک هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند.

به اعتقاد این عده تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری - مانند گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها - و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری - مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره - است. دیری نگذشت که بعضی از زبان‌شناسان این مفهوم را در معناهای متفاوتی به کار بردند. دسته اخیر معتقد بودند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد.

به عبارت دیگر تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است. مطابق این تعریف، تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن سروکار ندارد، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره سروکار دارد. بنابراین، تحلیل گفتمان «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط عوامل درون زبانی (زمینه متن) واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل بیرون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند» (فرکلاف، 1379: 8).

وظیفه یا هدف اصلی مطالعه گفتمان فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد اصلی گفتمان است: چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعامل تأثیر می‌گذارد یا برعکس چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تأثیر می‌گذارد و یا چگونه باورها، کاربرد زبان و تعامل را کنترل می‌کنند. همچنین می‌توان از مطالعات گفتمانی انتظار داشت که علاوه بر به دست دادن توصیف‌های نظام‌مند، نظریه‌هایی برای توضیح مناسبات میان کاربرد زبان، باورها و تعامل ارائه کنند. (ون دایک، 1382: 16) در مطالعات گفتمانی، ساختارهای اجتماعی و ادراکی یعنی آنچه معمولاً فرامتن نامیده می‌شود را از متن جدا نمی‌کنند و بنابراین شاید در تحلیل گفتمانی به عنوان یک روش، دو اصطلاح متن و فرامتن معنای نظری چندانی نداشته باشند (میرفخرایی، 1383: 13).

نتایج تحلیل:

پس از نمونه‌گیری و باز بینی اخبار شبکه خبر در رابطه با جنبش‌های مردمی در کشورهای مصر تونس بحرین لیبی یمن بر اساس تکنیک و روش تحلیل گفتمان، و با در نظر داشتن مفاهیمی چون بازنمایی، تعادل و عینیت در اخبار می‌توان نتایج را در چند دسته بیان داشت. در واقع می‌توان گفت تصویری که شبکه خبر در اثر ارائه اخبار نمایانده است دارای این ویژگی هاست.

در ابتدا بهتر است با توجه به زیاد بودن اخبار یک دسته بندی کلی از اخبار مورد تحلیل انجام دهیم تا بتوانیم این چنین بهتر نتایج را از دل تحلیل‌ها بیرون بکشیم.

در این مدت و حجم نمونه‌ایی که ما برای بررسی برگزیدیم خبری از تونس، که اولین کشوری است که تا زمان پخش اخبار مد نظر ما، مردم در آن به پیروزی رسیدند و بن علی را کنار زده اند نیامد. البته در یک مورد اشاره‌ایی به انقلاب مردم تونس و پیروزی آنان شد، اما در هر حال خبر جدگانه‌ایی در این مدت از تونس دریافت نکردیم.

می‌توان نتیجه گرفت جریان وقوع انقلاب و مبارزات مردم برای شبکه خبر اهمیت بیشتری دارد و اینکه پس از به پیروزی رسیدن به هر دلیلی حجم اخبار آن کشور کم می‌گردد. این مورد درباره مصر نیز صدق می‌کند در باره مصر کلیه خبرهای این مدت را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد اول چند خبر درباره پیگیری مردم درباره مجازات مبارک و پیگیری خواسته‌هایشان تحت نام انقلاب دوم مانند خبری که با تیتر: *تاکید هزاران تظاهرکننده مصری بر محاکمه فوری مقامات رژیم مبارک* که در تاریخ 1390/3/6 به روی آنتن رفت، و دوم اخبار مربوط به تحولات گذرگاه رفح مانند خبر بازگشایی دائم این گذر گاه به تاریخ 1390/3/7 و سوم هم سفر هیئت مصری به ایران مانند خبر دیدار رئیس سازمان صدا سیما با هیئت مصری در تاریخ 90/3/10 که خبر مفصلی هم بود.

درباره یمن نیز می‌توانیم 3 سر شاخه معرفی کنیم اول درگیری‌ها و بحث جنگ داخلی و مبارزه مسلحانه قبیله حاشد با نیروهای دولتی مانند این خبر: *"درگیری ها میان نیروهای عبدالله صالح و مخالفان وی در صنعا ، پایتخت یمن ، شدت یافت . 64 تن در درگیری نیروهای امنیتی یمن با هواداران یکی از روسای قبایل این کشور در شمال صنعا کشته و دهها نفر زخمی شدند"* که در تاریخ 1390/3/4 در بخش 19 پخش شد ، دوم نپذیرفتن طرح شورای همکاری از سوی عبدا...صالح مانند خبر *"عبدالله صالح پنجمین بار از امضای توافقنامه انتقال قدرت امتناع کرد"* که در 1390/3/2 پخش گردید و سوم اراده مردم بر ادامه مبارزات و رسیدن به پیروزی نهایی مانند خبر *"تظاهرات هزاران یمنی در مقابل محل اقامت کفیل عبدالله صالح"* در تاریخ 1390/3/18.

و اما بحرین نیز اخبارش در چند بخش قرار می‌گیرد بخش اول اعمال ضد حقوق بشر آل خلیفه در قبال مخالفان مثل این خبر *"دادگاه نظامی رژیم بحرین نه نفر از جوانان انقلابی این کشور را به بیست سال حبس محکوم کرد. رژیم آل خلیفه همچنین در موج جدید سرکوب ها ، حمله به دانشگاه ها را در دستور کار قرار داده است"* که در 1390/2/30 پخش شد ، دوم دخالت دولت سعودی و آمریکا در مسائل بحرین مانند آن چیزی که در خبر *"پذیرایی گرم آمریکا از مقام بحرینی"* در 1390/3/18 دیدیم و بخش آخر اخبار مربوط به تظاهرات‌های مردمی در روستا ها و اطراف منامه مانند خبر *"تظاهرکنندگان در شهر ستره جنایات آل خلیفه را محکوم کردند"* در 1390/3/1. درباره لیبی هم اول اخبار

حملات هوایی ناتو به این کشور، موضع گیری های اتحادیه آفریقا و روسیه درباره این جملات مانند خبری با تیترا: "31 کشته در حملات هوایی بی سابقه به طرابلس" پخش شده در تاریخ 1390/3/18 و دوم اخبار پیشروی مخالفان مانند این خبر "از لیبی خبر می رسد درگیریها میان مخالفان و نیروهای قذافی به 150 کیلومتری طرابلس پایتخت رسیده است. درگیری های شدید از منطقه الجبل الغربی گزارش شده است. به گفته شاهدان، مخالفان قذافی از سه جهت شهر زینتان را محاصره کرده اند" در 90/2/31 را می توان بیان نمود. با این دسته بندی کلی مسائلی که در اخبار مربوط به جنبش های کشورهای اسلامی با آنها روبرو بودیم را خلاصه تر می توانیم در ذهن داشته باشیم. این اخبار که ما آنها را دسته بندی نمودیم در این 20 روز تکرار گردیده و تحولات مربوط به آن اطلاع داده شده است. همانطور که درباره بازنمایی گفتیم اصولاً می توان ادعا کرد که رسانه ها واقعیت را می سازند لذا آن چیزی که هر شبکه خبری پخش می کند قطعاً می توانسته به گونه دیگری بازتاب یابد.

ما در این تحقیق در اصل بدنبال این بوده ایم که بدانیم جنبش های مردمی در کشورهای مصر، تونس، یمن، بحرین و لیبی چگونه تصویر شده اند و سپس درک کنیم حاکمان در این کش و قوس چگونه تصویر شده اند و نیرو های معترض چه نمایی در این اخبار دارند و در پایان نقش سایر کشورها چگونه در این اخبار ترسیم شده است. لذا به تناسب آن چیزی که تحلیل نمودیم و تصاویری که نشان دادیم اینک روشن می سازیم که هر یک از این تصاویر چگونه بوده و آیا مثبت بوده یا منفی.

الف: تصویر جنبش ها در این اخبار: درباره تصویری که از قیام های مردمی در این 5 کشور با آن روبرو هستیم نکته اول این است که به شاهد تحلیل های ما این جنبش ها دارای خواستگاه اسلامی بوده اند.

اصولاً تظاهرات های مردم با منشأ دینی صورت می پذیرفته شاهد این مدعا مثلاً این است که در اخبار داشتیم مردم یمن پس از نماز جمعه قصد دارند تا تظاهرات انجام دهند در بخش 13 در تاریخ 90/2/31 داشتیم که "امامان جمعه (یمن) نیز در خطبه های نماز، مردم را به ادامه مبارزه تا پیروزی کامل فراخواندند.

تظاهرکنندگان همچنین با سردادن شعار طرح شورای همکاری خلیج فارس را که شامل اعطای مصونیت قضایی به عبدالله صالح است، رد کردند و خواستار کناره گیری فوری و محاکمه وی شدند". از قول امامان جمعه گفته شده که مردم جنبش را تا پیروزی کامل پی بگیرند. از این رو مقامات مذهبی علیه صالح و در کنار مردم هستند. از این دست مثال ها در لا به لای تحلیل ها باز هم موجود است در مصاحبه ها معمولاً حکومت ها متهم به اسلام گریزی و عدم حظ شعاع اسلامی می شوند مثل مصاحبه با یک معترض یمنی که تاکید دارد حکومتی می خواهند که به شرق و غرب وابسته نباشد "مردم یمن بر خواسته شان مبنی بر سرنگونی فوری علی عبدالله صالح و رژیم او تاکید دارند. مردم یمن کشوری پیشرفته می خواهند که به شرق یا غرب وابسته نباشد (در تاریخ 1390/3/1 بخش 13). غیر از این همچنین حمله به مسجدها و مراسم عزاداری امام معصوم از دیگر مصداق هایی است که نشان می دهد آنچه مردم در پی آن هستند حکومتی اسلامی است که اکنون در کشور آنها وجود ندارد خبری که در 1390/3/5 در بخش 13 در این باره وجود داشت: "بر اساس اعلام اداره اوقاف بحرین حکومت بحرین در چند هفته گذشته سی و هشت مسجد را کاملاً ویران کرده است". این جنبش ها هر چند متفاوت هستند و اخبار آنها از طریق شبکه خبر پوسته هایی جدا گانه دارد اما

بکار گیری اصطلاح بیداری اسلامی درباره همه آنها بخوبی نشان می‌دهد که تمامی این جنبش‌ها چنین تصویر شده اند که به جهت برقراری یک حکومت اسلامی صورت پذیرفته‌اند.

در عین حال نباید از نظر دور داشت سخنرانی امام جماعت قاهره در نماز جمعه تهران نیز علائمی مشخص در این باره داشت اگر به تحلیل آن خبر بنگریم در می‌یابیم که انقلاب مصر و ایران به هم پیوند خورده و مشابه تصویر شده‌اند. این خبر در 90/3/13 پخش شد که با نگاه به آن ادعای ما ثابت می‌گردد "شیخ 'جمال الدین قطب' امام جمعه قاهره که برای حضور در آیین‌های ویژه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) به ایران اسلامی سفر کرده است امروز در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران با اشاره به وجود 54 کشور اسلامی در جهان گفت: متأسفانه با وجود این تعداد کشور اسلامی، مسلمانان همچنان با مصائب رژیم صهیونیستی مواجه هستند، لذا باید برای مقابله با آن با هم متحد شوند". همچنین است صحبت‌های رئیس سازمان صدا و سیما، شهردار تهران و رئیس جمهور در دیدار با هیئت مصری که به ایران آمده بودند. و البته پوشش خبری همایش بیداری اسلامی. پس ویژگی بارز نمایش داده شده این جنبش‌ها از سوی شبکه خبر اسلامی بودن آنهاست ضمن آنکه همواره در لابه لای خبرها هشدارهایی درباره احتمال منحرف شدن جریان این قیام‌ها می‌دیدیم که در دو جا آمریکا و اسرائیل به این جرم متهم شدند که قصد منحرف کردن این جنبش‌ها را از هدف اصلی خود دارند. سخنان آیت‌الله امامی کاشانی که در خبر 1390/2/30 بخش 19 انعکاس یافت دقیقاً هشدار گونه است "خطیب جمعه تهران با تأکید بر اینکه جریان بیداری اسلامی در جهان خاموش نخواهد شد گفت: جهان استکبار هر روز در دامی که خود ساخته است بیشتر فرو خواهد رفت. آیت‌الله امامی کاشانی افزود: سازمان‌های بین‌المللی به جای آنکه برای رفع ظلم قدمی بردارند خود علیه مظلومان اقدام می‌کنند و این رفتارها یأس جامعه بشری را از این قدرتها بیشتر می‌کند. وی با اشاره به اینکه مسلمانان در بوته امتحان قرار دارند تصریح کرد: رهبران ادیان بیدار شوند تا ببینند که صهیونیسم، استکبار جهانی و کاخ سفید چه هرج و مرجی ایجاد کرده‌اند و هشدار بدهند."

پس روشن است اگر حاصل این جنبش‌ها رفتن به سوی غرب باشد قطعاً این جنبش‌ها منحرف بوده است و اگر منجر به حکومت اسلامی گردد خواست مردم بر آورده شده چیزی که درباره مصر با توجه به خبر انقلاب دوم دیدیم. در این اخبار، ما چیزی به عنوان اینکه این جنبش‌ها یک حرکت مدنی و دمکراتیک جلوه گردد نداریم اصولاً تظاهرات مردم هیچ کجای این اخبار مثلاً به منظور برقراری نظام دمکراسی عنوان نشده یا ندیدیم که دغدغه مردم این باشد که در سرنوشت خود دخالت داشته باشند هر چند این موارد به شکل خفیف وجود داشته اما اگر بر روی اخبار متمرکز شویم آنچه عامل این قیام‌ها است تفکرات اسلامی است نه تفکرات مثلاً چپ یا لیبرالیستی. لذا می‌توان گفت تصویر این جنبش‌ها این گونه است که مردم غم‌ناک یا دغدغه اقتصادی هم ندارند و تنها از وجود حاکمان فاسد (که اسلام‌گرا نیستند) و وابسته به غرب هستند رنج می‌برند و به هر قیمتی خواهان خلع آنان هستند.

به دیگر سخن باید گفت تصویری که ما از طریق دیدن و شنیدن اخبار شبکه خبر درباره جنبش‌های یاد شده درک می‌کنیم نشان دهنده این امر است که مردم این کشورها خواهان انقلاب هستند اصلاحات هدف آنان نیست و به آن قانع نیستند. شاهد این مدعا وجود اخباری در مورد تلاش برای سرنگونی صالح و قذافی و آل خلیفه است. همچنین در

خبر های پایانی مشاهده کردیم که مردم یمن معترض به جانشین صالح بوده‌اند و خواهان ریشه کن شدن بقایای حکومت صالح هستند. این امر نشان دهنده این واقعیت است که در این اخبار، هدف این جنبش‌ها ایجاد تحول کامل در نظام سیاسی است. پس در کل می‌توان گفت این جنبش‌ها با خواست‌گامی اسلامی و با هدف ایجاد حکومت اسلامی و کنار زدن حکومت های قبلی انجام شده‌اند.

ویژگی دیگری که در این اخبار به این جنبش‌ها داده شده است جریان دار بودن و ادامه دار بودن آنهاست و واژه هایی که آنها را تحلیل نمودیم این امر را ثابت می‌نماید. همچنین با توجه به چینش اخبار این کشورها و گاه پیوند خوردن مسائل با هم (مثلاً در مورد یمن و بحرین) می‌توان گفت که این جنبش‌ها با هم مرتبط جلوه شده‌اند و به نوعی هر یک به شروع و اشاعه دیگری کمک نموده‌اند و همچون یک موج این جریان در حال پیشروی است. این خبر که می‌آوریم نشان دهنده اراده مخالفان خواهد بود "باوجود تشدید اقدامات سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه و آل سعود در بحرین؛ مردم معترض دیشب نیز به تظاهرات خود ادامه داده و خواستار سرنگونی رژیم آل خلیفه شدند. گروه‌ها و احزاب مخالف بحرینی اعلام کرده‌اند با پایان زمان حالت فوق العاده از فردا موج جدید اعتراضات را آغاز می‌کنند." (1390/3/10) فی‌الواقع آنچه با شنیدن این اخبار در ذهن شکل می‌گیرد این است که این جنبش‌ها شعله ایی خاموش نشدنی هستند که بر خلاف میل آمریکا و اسرائیل و دول غربی همچنان گسترده تر می‌شود و علیرغم سرکوب حاکمان مستبد به کمک نیروهای خارجی و هم پیمان، این شعله باز هم فروزان تر می‌گردد. نباید از نظر دور داشت که در این تصویر، این جنبش‌ها صلح جویانه نشان داده شده و تقصیر هرگونه درگیری نظامی را بلاخص در یمن و بحرین متوجه حاکمان دیکتاتور دانسته است. پس این جنبش‌ها ماهیتی ظلم ستیز دارند چرا که بر علیه حاکمان مستبد شکل گرفته‌اند.

نکته دیگر درباره ویژگی‌های این جنبش‌ها که با دیدن اخبار شبکه خبر درک می‌شود این است که اصولاً نمی‌توان ادعا کرد که این جنبش‌ها تحت تاثیر حرکت‌های آزادی خواهانه چون انقلاب فرانسه و یا انقلاب‌های کارگری و کمونیستی بوده است. با تصویر ارائه شده که در پیش از آن سخن رانیدیم این احتمال مردود است. در این اخبار همواره می‌بینیم که از بکار گیری خشونت علیه معترضان اطلاعاتی موجود است و این امر کمک می‌کند تا بدانیم پیروزی این معترضان در درجه اول برای حاکمان این کشورها و سپس متحدانشان به حدی خطرناک است که هر گونه عملی را برای متوقف کردن این جنبش‌ها انجام می‌دهند. در کل اراده متوقف کردن این جریان نزد حاکمان و دوستان متحدشان، این تصور را بوجود می‌آورد که در صورت پیروزی معترضان آن متحدان دیگر جایگاه خود را از دست می‌دهند از این رو این قیام‌ها به نوعی ایستادگی در برابر ابر قدرت‌ها و به قولی مستکبران است. این ویژگی خود تبعاتی دیگر را متوجه این قیام‌ها می‌داند از جمله اینکه دوستان کشورهای ابر قدرت دچار مشکل هستند. این حاکمان غالباً دیکتاتور هستند و مردم دل خوشی از آنان ندارند. دوستی با آمریکا و غرب سر انجام برای این حاکمان دردسر ساز شد و... در باره حاکمان در ذیل تیتري جداگانه صحبت خواهیم کرد اما در اینجا قصد آن را داشتیم تا بگوییم ماهیت استکبار ستیزی که به این قیام‌ها داده شده خود باعث این می‌شود خصوصیات به ذهن درباره جزئیات دیگر خطور کند.

بطور خلاصه و با توجه به نکاتی که بر شمردیم می‌توانیم بگوییم رویکرد شبکه خبر به این جنبش‌ها مثبت است و اخبار به گونه‌ای ویرایش شده‌اند تا در پی حمایت از این جنبش‌ها برآیند. آنچه این شبکه برای ما بازنمایی کرده است به ما می‌گوید پیروزی این جنبش‌ها به کاهش ظلم در جهان کمک می‌کند و باعث می‌شود تا هرچه بیشتر مردم دیگر کشورها بیدار شوند و بر علیه ظالمان و ابر قدرت‌ها بشورند.

در کل این را نیز نباید فراموش کنیم که آنچه برای ما در مورد ویژگی‌های قیام‌های مردمی در این کشورها توصیف شده ماحصل چیزی فراتر از اخبار است. اما ما میزگردها، گزارش‌ها و تفسیرها را کنار گذاشتیم و لذا این تصویری که ما از آن صحبت می‌کنیم در اخبار نمایش داده شده. البته این مسئله نمی‌تواند نقطه ضعفی در این تحقیق باشد چرا که ممکن نیست یک شبکه خبری سیاست‌های مختلفی درباره اخبار و میزگردها و سایر بخش‌ها در پیش گیرد و این امری منطقی است که از تمامی این قسمت‌ها برای رسیدن به هدف خود استفاده می‌کند پس قاعدتاً تصویری که از جنبش‌ها در اخبار می‌بینیم همان است که در تفاسیر هم ارائه می‌گردد از این رو ادعای ما درباره تصویر ارائه شده توسط شبکه خبر (ونه اخبار شبکه خبر) یقیناً درست خواهد بود.

ب: تصویر حاکمان: و اما تصویری که از حاکمان با توجه به تحلیل‌ها نمایانده شده را می‌توانیم برای شروع منفی، خشن، دیکتاتور، و وابسته لقب دهیم.

ب-1) در مورد بن‌علی هیچ خبری در نمونه‌های ما موجود نیست، و تنها تصویری که با اندک اطلاعات از تونس از بن‌علی درک می‌کنیم دیکتاتوری کنار زده شده و سقوط کرده است.

ب-2) اما درباره مبارک؛ خواست مردم بر مجازات او در خبر مربوط به انقلاب دوم، بیانگر این است که وی در حکومتش خیانت‌هایی انجام داده که اینک مردم خواهان مجازات وی هستند. لذا وی حاکمی فاسد بوده است. خبر راهپیمایی مردم در 1390/3/6 با تیتر "راهپیمایی بزرگ مردم مصر تحت عنوان انقلاب دوم، تاکید مصری‌ها بر سرعت در روند محاکمه مقامات رژیم حسنی مبارک" از جمله اخباری است که چهره مبارک را ترسیم می‌نماید و به مخاطب می‌نمایاند که وی تا چه حد نزد مردم منفور است چرا که مردم می‌خواهند از وی انتقام بگیرند.

طول دوره حکومت طولانی مبارک تأکید دارد وی برای خود حکومت دائمی و بدون جانشین تدارک دیده بوده و این از مصداق‌های دیکتاتور بودن است. لذا مبارک حاکمی تصویر شده که در حکومتش به مردم ظلم کرده و خواسته‌های مردم را اجابت نکرده است. از سوی دیگر با نگاه به تحلیل خبر بازگشایی گذرگاه رفح و اقدام جدید حکومت نوپای مصر درک می‌کنیم وی از دوستان اسرائیل بوده و با آنان در یک راستا حرکت می‌کرده است. لذا مبارک بیش از آنکه مشکلات مردم را حل نماید در فکر رابطه با اسرائیل و آمریکا بوده. مبارک در این تصویر فردی غرب زده و وابسته نشان داده می‌شود که در خدمت ابر قدرت‌ها بوده و به اصطلاح به ساز آنان می‌رقصیده است. مبارک حاکمی مخلوع است که با توجه به این تصویر وی باید مجازات گردد. اما از این حاکم مخلوع چنین استفاده شده که در هر حال عاقبت رژیم‌های وابسته به غرب سرنگونی است.

ب-3) اما در یمن و درباره شخص صالح موقعیت تفاوت دارد چرا که وی هنوز در رقابت با مخالفان خود تصویر شده. اما این تفاوت موقعیت، در تصویر وی نسبت به مبارک چندان تغییری را سبب نگردیده است. صالح در این تصویر برای ادامه حکومتش به خشونت روی آورده، جنگ داخلی را پیش کشیده و مردم را قربانی ولع قدرت خود کرده و البته در نهایت زخمی شده و پا به فرار گذاشته است، هر چند که در تلاش برای بازگشت به یمن است.

با توجه به آنچه درباره این جریانات تحلیل نمودیم صالح فردی البته دیکتاتور است که او هم شبیه مبارک دوره حکومت طولانی دارد. با توجه به خبر عدم پذیرش طرح شورای همکاری خلیج فارس از سوی وی صالح فردی صلح جو و اهل مذاکره نمی نماید، چرا که او تئوری جنگ داخلی را هم مطرح کرد. صالح در مصاحبه‌ها به تفرقه اندازی بین قبایل محکوم شد و این نشان می دهد وی اهمیتی نمی دهد در راه ادامه حکومتش چه بلایی بر سر مردم یمن می آید. با توجه به این جزئیات صالح حاکمی است که دیگر نزد مردم جایگاهی ندارد و همه مردم یمن خواهان سرنگونی وی هستند. فرار وی به عربستان همچنین نشان از دوستانه بودن روابطش با سعودی‌ها دارد که شخصیت وی را وابسته جلوه می کند. خبری که به عنوان مثال می توان آورد خبر پیش رو است که مشخصاتی که از صالح بر شمردیم را داراست "دقایقی پیش صدای چندین انفجار و شلیک گلوله در صنعا پایتخت شنیده شد. خبرها همچنین از گریختن حاکم این کشور به عربستان حکایت دارد. علی عبدالله صالح که بیش از سه دهه بر یمن حکمرانی کرده با گذشت 4 ماه از تظاهرات و خیزش مردمی که در چند روز گذشته به خشونت نیز کشیده شده است؛ از واگذاری قدرت امتناع می کند. با انتشار خبر خروج عبدالله صالح، مردم یمن به خیابانها ریخته و جشن گرفتند." (1390/3/15)

ب-4) درباره بحرین معمولاً از لفظ آل خلیفه استفاده شده و به این ترتیب یک شخص همچون تونس و یمن و مصر سکاندار و در نتیجه مورد اعتراض مردم نیست و صحبت از یک خاندان است. در مورد حاکمان بحرین صفت پادشاهی که در چند جا دیده شده ظالم بودن آنها را تاکید کرده و تصدیق می نماید که این خاندان حکومت را ما بین خود دست به دست می نمایند.

در این اخبار مورد تحلیل در ابتدا و انتها دو خبر درباره سفر ولیعهد بحرین به انگلستان و سپس آمریکا داریم این امر نشانگر وابستگی آل خلیفه به غرب و گوش به فرمان بودن این رژیم است. همچنین بحث کمک سعودی‌ها به آل خلیفه غیر از بحث دخالت خارجی‌ها در بحرین که بعداً به آن می پردازیم، مبین این موضوع است که آل خلیفه در کنترل مخالفان ناتوانند و دست به دامن سعودی‌ها شده‌اند. خشونت و اعمال ضد حقوق بشر از ویژگی‌ها رفتاری حاکمان بحرین است که در مورد جزئیات سرکوب‌ها در تحلیل‌ها بسیار به آن بر می خوریم از جمله صدور حکم اعدام برای معترضان، کشتن یک کودک، حمله به مراسم تشییع جنازه و ... البته بهتر است دقت داشته باشیم که حکومت بحرین نیز حکومتی ضد اسلام و تشیع نمایش داده شده و تصدیق کننده این مطلب تحلیل مربوط به خبر حمله به مراسم عزاداری امام معصوم و ویران کردن چند مسجد است. از سوی دیگر تصویر حاکمان بحرین یا همان آل خلیفه تصویری رو به زوال نیز هست چرا که قیام‌های مردمی هر روز گسترش می یابند و علیرغم کمک‌های غرب (مثل برگزاری مسابقات فرمول یک) برای امن نشان دادن این کشور، این رژیم دوامی نخواهد داشت این خبر در تاریخ 1390/3/13

به این شرح آمده: "با وجود اینکه رژیم بحرین به اصطلاح حکومت نظامی را لغو کرده، اما نظامیان آل خلیفه همچنان مردم را بازداشت و شکنجه می‌کنند. علت اینکه رژیم بحرین لغو حکومت نظامی را اعلام کرده این است که می‌خواهد فدراسیون‌های جهانی را برای برگزاری مسابقات اتومبیلرانی فرمول یک در بحرین راضی و متقاعد کند. مصاحبه شونده: به نظر من برگزاری این مسابقات در بحرین شرم‌آور خواهد بود و می‌تواند تاییدی بر جنایات رژیم شکنجه‌گر بحرین باشد". همچنین این رژیم فریب کار و متقلب هم تصویر شده چرا که با اتمام حالت فوق العاده باز به مردم معترض تعرض کرده بود. وابسته بودن آل خلیفه همچنین مبین این مطلب است که مردم بحرین با اعتراض به آنها به استقلال کامل می‌اندیشند.

ب-5) در نهایت حاکم آخر و شخص معمر قذافی را بررسی می‌کنیم. کسی که او نیز حکومتی طولانی بر لیبی داشته و لقب دیکتاتور را چون بن علی مبارک و صالح و آل خلیفه به دوش می‌کشد. ویژگی متفاوت قذافی نظامی بودن وی است که گاهی از وی در گزارش‌ها با لقب سرهنگ یاد شده بود. لذا خود به خود حکومت لیبی به نظامی‌گری متهم می‌شود. قذافی حاکمی رو به زوال تصویر شد که در مبارزه با مخالفان شانس زیادی ندارد. همچنین قذافی هم به نوعی وابسته تصویر شد. خبری با تیتراژ "فرا رسیدن تاریخ انقضای قذافی" نشان می‌دهد او متحدی برای غربی‌ها بوده که اینک دیگر به کارشان نمی‌آید. خوب است بدانیم که درباره حاکم لیبی امنیت داشتن از دست حملات ناتو و در مقابل ضعیف شدن در اثر حملات مخالفان همواره در این اخبار نشان داده شد. قذافی دیکتاتوری تصویر شد که موجب عقب افتادگی لیبی بوده است و مردم با کنار زدن وی قصد پیشرفت دارند. خشونت در مورد قذافی هم بارها بکار رفته اما وی در خشونت به آل خلیفه و صالح نمی‌رسد. در 1390/3/13 خبری می‌بینیم که به روشنی قذافی را کنار ناتو قرار می‌دهد و دیکتاتوری می‌نماید که قربانی کردن مردم برای بقا را به عنوان روش در پیش گرفته است "لیبی همچنان از زمین و هوا هدف حملات نیروهای معمر قذافی و ناتو قرار دارد".

همچنین در 1390/2/31 خبری مبنی بر تحت فشار بودن قذافی می‌بینیم که نشان دهند رو به زوال بودن این دیکتاتور است "مخالفان معمر قذافی به 150 کیلومتری پایتخت رسیدند. به گفته شاهدان، مخالفان قذافی از سه جهت شهر زینتان را محاصره کرده‌اند" بهتر است بدانیم آنچه از قذافی توصیف شده موجب گردیده تا وی بدون حمایت (علنی) پنداشته شود هرچند نکاتی نگاه داشته شده تا در صورت عدم سقوط وی از آن نکات به عنوان دلیل یاد شود. مانند آنچه پیش از این در باره روابط کهنه قذافی با غرب و آمریکا در خبرها داشتیم.

در کل و با توجه به آنچه که توضیح دادیم و تحلیل‌هایی که بر اخبار نوشتیم می‌توان برای کلیه این حاکمان چند ویژگی مشترک عنوان کرد که تصویر کلی آنان را در اخبار مدنظر شکل داده است. اول مستبد و دیکتاتور بودن دوم سرکوب‌گر و قدرت طلب بودن سوم وابسته بودن و عدم استقلال چهارم گرفتاری در بحران جدی که خروج از آن ممکن به نظر نمی‌رسد.

ج: تصویر مردمی که به پا خواسته‌اند: در مورد مردمی که در این کشورها به پا خواسته‌اند قطعاً مهم‌ترین ویژگی مظلومیت است که نمایش داده شده. مردم در این اخبار عموماً تحت سرکوب و حمله نیروهای امنیتی تصویر شده‌اند. مردمی که حمایتی نمی‌شوند و تنها گناهشان این است که در برابر یک حکومت مستبد به پا خواسته‌اند.

این مظلومیت هنگامی پر رنگ تر می شود که اطلاع پیدا می کنیم که مثلاً آل سعود هم به یاری آل خلیفه شتافته تا مخالفان در بحرین سرکوب شوند، یا غیر از نیروهای قذافی مردم در لیبی باید حملات هوایی ناتو را نیز تحمل کنند. این خبر خود علامتی مشخص از این ادعا است "اوضاع انسانی در شهرهای لیبی؛ فاجعه بار است. چهارهزار نفر از مردم شهر زنتان، از ترس حملات نیروهای ناتو و قذافی به کوه ها و غارها پناه برده اند. شهرهای مصراته و آجدابیا هم با کمبود آب و مواد غذایی مواجه اند." (1390/3/10) حمله با تانک به معترضان در شهر تعز درباره یمن نیز از جمله اخباری است که با توجه به تحلیل آن بر مظلومیت و بی دفاع بودن مردم و همچنین اوج خشونت علیه آنان تاکید دارد که در تاریخ 1390/3/18 به روی آنتن رفت "شهر تعز یمن سه شنبه خونینی را پشت سر گذاشت. تانک های گارد ریاست جمهوری دیروز 19 تن از جمله سه کودک را در این شهر کشتند." از سوی دیگر همواره درباره بحرین یمن و لیبی معترضان همیشه با اراده و مصمم تصویر شده اند که در حال پیشرفت هستند و روز به روز به پیروزی نزدیک می شوند. این تصویر نشان می دهد علیرغم تحت فشار بودن قیام کنندگان از رسیدن به هدف خود منصرف نمی شوند و با عزم جدی به پیش می تازند. در تاریخ 1390/3/12 خبری می آید که دلیل ادعای ما است "درگیری مخالفان و نیروهای قذافی در غرب مصراته همچنان ادامه دارد. گزارش ها حاکیست مخالفان رژیم قذافی از مصراته به سمت غرب و پایتخت در حال پیشروی هستند. دربنغازی نیز مخالفان با نظامیان قذافی همچنان درگیرند. صبح امروز چند انفجار مهیب در این شهر روی داد." این خبر خود باز گو کننده اراده مخالفان برای رسیدن به پیروزی علیرغم مشکلات است.

ج-1) درباره تونس باز هم یادی از مردمی که قیام کرده اند و بن علی را سرنگون ساخته اند نمی شود در اخبار موجود نیست. ولی درباره مصر مردم با همان اراده وصف شده به شدت پیگیر خواسته هایشان نمایش داده می شوند و چنین می نماید که در صورتی که به آنچه که می باید نرسند همچنان اعتراض می کنند و قیامی دیگر به پا می کنند لذا در این تصویر مردم مصر علیرغم آنکه مبارک را کنار زده اند هنوز راضی نشده اند و خواسته آنان چیز هایی فراتر از خلع مبارک می باشد.

ج-2) مردم یمن معترضینی تصویر شده اند که تا سرنگونی صالح به هر طریق به مبارزه ادامه می دهند. با توجه به خبرهایی که بر گسترش قیام در یمن در شهر های گوناگون تاکید داشت معلوم می شود که مردم یمن همگی مخالف حکومت صالح هستند و آنان علیرغم تلاش های صالح از هم جدا نمی شوند و در کنار هم بر علیه صالح قیام نموده اند. در این میان همچنین با اشاره به درگیری قبیله حاشد با نیرو های امنیتی یمن قدرت نظامی به مخالفان داده شده و آنان در تقابل با قدرت نظامی حکومت به روش نظامی برای مبارزه روی آورده اند. هرچند تاکید برای نوع اعتراض مردم در یمن همواره بر راهپیمایی و تظاهرات بوده اما با آن چه که در تحلیل اخبار یمن گفتیم، در می یابیم صالح حتی با نظامی گری هم نمی تواند این مردم به پا خواسته را متوقف کند و بر سر جایشان بنشاند.

ج-3) درباره مردم بحرین و لیبی مظلومیت پر رنگ تر است چرا که در بحرین آل خلیفه و آل سعود به جان مردم افتاده اند و در لیبی نیرو های قذافی و بمباران های ناتو جان مردم را تهدید می کنند. در بحرین اشاره به سرکوب روستاییان معترض و کشتن یک کودک همانطور که در تحلیل ها اشاره داشتیم نشانگر حمله به بی دفاع ترین مردمان است این خبر

بیان کننده این موضوع است " دختر 9 ساله تازه ترین قربانی جنایات آل خلیفه، حمله ماموران بحرینی به مراسم عزاداری امام هادی (ع) " (1390/3/17). مردم قیام کننده بحرین نیز البته مصمم و با عزم جدی تصویر شده‌اند که در عین سرکوب همچنان بر ادامه قیام اصرار می‌ورزند. جنبش‌گران در بحرین همچنین تنها و بدون حامی نیز نمایش داده می‌شوند و به نوعی عربستان، انگلیس و آمریکا در برابر این جنبش مردم بحرین به آل خلیفه کمک می‌کنند. از این رو مردم در بحرین دست به قیامی ضد استکباری زده‌اند چرا که آنان آل خلیفه که چنین متحدانی دارد را لایق حکومت بر خود نمی‌دانند.

خبر پیش رو نشان دهنده ادامه مسیر قیام توسط مردم در بحرین است. " باوجود تشدید اقدامات سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه و آل سعود در بحرین، مردم معترض دیشب نیز به تظاهرات خود ادامه داده و خواستار سرنگونی رژیم آل خلیفه شدند. (1390/3/10) تیتر بعد که در 90/3/18 پخش شد نیز نشان از این دارد که آمریکا با تمام قدرت مدافع حکومت بحرین است " کلیتتون : منامه هم پیمان همیشگی واشنگتن! " و بدین سان مردم جنبش گر باید با آمریکا مبارزه کنند که در حال انجام این مبارزه نا برابر هستند. خبر بعد نیز نشان دهنده همه گیری قیام در بحرین خشونت آل خلیفه علیه مردم و اراده مردم برای پیروزی است " اهالی روستای سنابس در غرب منامه مراسم تشییع جنازه یک زن بحرینی را که روز پنج شنبه بر اثر استنشاق گاز اشک آور جان باخته بود به تظاهرات ضد حکومت آل خلیفه تبدیل کردند. " تنها در مورد بحرین از معترضین در روستاها یاد شده که حالتی مظلومانه تر و فراگیر تر به قیام مردم بحرین می‌دهد.

ج-4 در آخر و درباره لیبی آنچه مشخص است جز در گیری با نیروهای قذافی جنبش‌گران همواره زیر آتش نیروهای ناتو بوده‌اند تاکید بر حملات شدید ناتو، افزایش این حملات، بی سابقه بودن آن و... نشان می‌دهد مردم لیبی دشمنی به نام ناتو غیر از قذافی نیز دارند. این خبر که در تاریخ 1390/3/16 پخش شد این موضوع را به خوبی می‌نمایاند " غیرنظامیان لیبی قربانی اصلی بمبارانهای ناتو، شهر زنجان آماج حملات نیروهای قذافی ". مردم لیبی در مبارزه با قذافی همواره موفق جلوه شدند و پیشروی آنان به سمت پایتخت بیانگر نزدیک شدن زمان سقوط رژیم قذافی است. در عین حال ناتو که برای مجبور کردن قذافی به کناره‌گیری از قدرت در امور این کشور دخالت کرده بوده است در این مورد توفیقی نیافته و حاصل این دخالت بمباران‌های دائمی طرابلس توسط جنگنده‌های ناتو بوده است. از این رو قیام‌کنندگان در لیبی آماج حملات ناتو تصویر شده‌اند و در واقع با دخالت ناتو مشکل آنان رفع که نشده هیچ، دو برابر هم شده است.

در پایان و با نگاهی کوتاه به آنچه درباره مردم در این اخبار آمده بود و ما آن اخبار را به تحلیل نشستیم، باید گفت این مردمان برای ادامه جنبش خویش مصمم هستند. هر چند که خشن‌ترین رفتارها با آنان صورت می‌پذیرد اما آنان از پا نمی‌نشینند، و در پی آن هستند که هر طور شده به پیروزی برسند. اینکه جان آنها تهدید می‌شود ولی به مبارزه ادامه می‌دهند، چنین می‌نماید که در اوضاعی اسفبار در حال زندگی‌اند و حال برای رهایی، جان خود را در کف دست گرفته‌اند.

د: تصویر نقش سایر کشورها: منظور ما از نقش سایر کشورها در مورد جنبش‌های کشورهای اسلامی و تحولات آن، این است که اولاً نام چه کشورهایی در این میان مطرح شده و دوم اینکه این کشورها در کنار مردم و حامی آنان نمایش داده شده‌اند، یا مخالف قیام مردم بوده‌اند و از حاکمان حمایت کرده‌اند؟

از این رو اگر دگر بار تحلیل‌ها را بکاویم نام چند کشور در این میان خود نمایی می‌کند. اول عربستان که درباره اخبار یمن و به خصوص بحرین نام این کشور تحت عنوان آل سعود بارها بکار رفته است. دوم انگلستان که در باره اخبار بحرین چندبار به آن اشاره شد. از جمله سفر ولیعهد بحرین به لندن و همچنین خبر دخالت انگلیس بخاطر آموزش نیروهای سعودی که در بحرین به کمک آل خلیفه شتافته‌اند.

نام آمریکا نیز در چند جا آمده و مهمترین نقش آن البته منحرف کردن جریان قیام‌های مردم بوده نقشی که برای اسرائیل هم در برخی خبرها تعریف شده است، و مقصد دیگر ولیعهد بحرین علاوه بر لندن واشنگتن بوده است. روسیه نام دیگر کشوری است که درباره اخبار لیبی چند بار مطرح شد. نقش کشور خود ما (ایران) نیز با توجه به میزبانی از هیئت مصری در این تحولات ایفا شد. اما در کنار نام کشورها ناتو به عنوان یک پیمان میان چند کشور (اسپانیا، استونی، اسلوواکی، اسلوانی، انگلیس، ایتالیا، ایسلند، آلبانی، آلمان، آمریکا، بلژیک، بلغارستان، پرتغال، ترکیه، جمهوری چک، دانمارک، رومانی، فرانسه، کانادا، کرواسی، لتونی، لوکزامبورگ، لهستان، لیتوانی، مجارستان، نروژ، هلند و یونان)^۲ همیشه در اخبار لیبی حضور پررنگی داشته و از اتحادیه آفریقا هم که نماینده کشورهای آفریقایی است چند بار در مورد اخبار لیبی نام برده شده.

و حال سوال این است که هر یک از این کشورها چه نقشی داشته‌اند و در تحولات کشورهای درگیر بحران چه نقشی ایفا نموده‌اند؟ عربستان در تصویری که در این اخبار از آن ساخته شده صراحتاً چون سدی در برابر قیام‌های مردم یمن و بحرین است. این امر در مورد یمن در دو مورد خود نمایی می‌کند اول خبر طرح شورای همکاری خلیج فارس که در عربستان تهیه شده بود و هرچند طرحی برنده برنده به نظر می‌رسید اما در هر حال به صالح مصونیت می‌داد که این بر خلاف خواسته مردم یمن بود و مورد دوم هم اینکه صالح پس از زخمی شدن به عربستان رفت و این نشان از این دارد نزدیک‌ترین دوست برای وی آل سعود بوده‌اند. با اکتفا به همین دو مثال می‌توان ادعا کرد عربستان در مقابل جنبش مردم یمن و در کنار صالح نمایش داده شده است.

د-1) و اما نقش آل سعود در بحرین پررنگ‌تر و مستقیم‌تر است چرا که اقدام به فرستادن نیروی نظامی به این کشور برای سرکوب مخالفان نموده است. این همراهی نیروهای آل سعود با آل خلیفه همواره در اخبار مورد تأکید بوده و در تحلیل‌ها به نحوه حمایت حکومت عربستان از بحرین کامل پرداختیم. از آنجا که بحرین در گذشته نه چندان دور

3.NATO

- ناتو سازمانی است که در دوران پس از جنگ جهانی دوم برای اجرای پیمان آتلانتیک شمالی در سال ۱۹۴۹ تشکیل شد. در سال‌های اولیه بعد از جنگ جهانی دوم و در واکنش به توسعه طلبی‌های شوروی سابق در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی در ماه مارس سال ۱۹۴۸ پنج کشور انگلیس، فرانسه، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ با امضای معاهده بروکسل اتحادیه دفاع جمعی را تشکیل دادند. سپس آنها از کشورهای دانمارک، ایسلند، ایتالیا، نروژ و پرتغال دعوت به پیوستن به این فرایند کردند. دو ماه بعد با پیوستن کانادا و آمریکا به این جمع در چهارم آوریل سال ۱۹۴۹ پیمان آتلانتیک شمالی در واشنگتن به امضا رسید و سازمان ناتو تشکیل شد.

قسمتی از خاک ایران بوده است و همچنین غالب جمعیت این کشور کوچک هم‌مذهب با ایرانیان هستند پیوند میان مردم ایران با بحرین جدی به نظر می‌رسد و طبیعی است دخالت دولت عربستان با مذهبی متفاوت نسبت به غالب مردم بحرین احساسات مخاطب ایرانی را بیش از بیش تحریک می‌نماید.

لذا دخالت عربستان در مسائل بحرین این تفکر را در پی دارد که عربستان با این اقدام در پی حفظ نفوذ خود در منطقه است و نمی‌خواهد دوستانش از رأس قدرت به زیر کشیده شوند. این خبر که در 1390/3/14 پخش شد یکی از مثال‌های بسیار زیاد در این رابطه است "قیام مردمی در بحرین همچنان ادامه دارد. نیروهای امنیتی بحرین دیروز با حمایت نیروهای آل سعود با یورش به شرکت کنندگان در مراسم تشییع پیکر دو شهید قیام به سوی مردم گلوله‌های جنگی و گاز اشک‌آور شلیک کردند"

د-2) کشور بعدی مورد بررسی در اخبار انگلستان می‌باشد. تفکر معروف دایی جان ناپلئونی در ایران همواره درباره انگلیس وجود داشته، تصویر کلی این است که هر گوشه‌ای از دنیا فتنه‌ایی شکل می‌گیرد به هر حال انگلیس‌ها در آن به نوعی دست داشته‌اند. خبری که در پیش می‌آید دارای نکات جالب توجهی است "نقش انگلیس در سرکوب قیام مردم بحرین فاش شد. روزنامه انگلیسی آبرور نوشت نظامیان گارد ملی عربستان سعودی که برای کمک به سرکوب قیام مردمی به بحرین رفته‌اند را ارتش انگلیس آموزش داده است. بر اساس اسناد بدست آمده نیروهای ارتش انگلیس بصورت منظم به اعضای گارد ملی عربستان آموزش‌هایی در زمینه مقابله با خیزش‌های مردمی و سرکوب اعتراضات ارائه می‌کند."

جمله اول خبر عیناً همان است که تیتراژ این خبر شده بود بر خلاف انتظار خبرچندان مفصل نیست و این افشا شدن آن‌گونه که به نظر می‌رسید نیست. نقش انگلیس در این سرکوب چنین ایفا شده که نظامیان سعودی که برای کمک به آل خلیفه به بحرین رفته‌اند را ارتش انگلیس آموزش داده بوده است. این امر در روزنامه آبرور نوشته شده بوده است. برای دادن اطلاعات بیشتر هم در ادامه آمده که نظامیان سعودی توسط انگلیسی‌ها آموزش‌هایی برای سرکوب خیزش‌های مردمی و سرکوب اعتراضات دیده‌اند. این خبر علاوه بر پیوند‌هایی دوراز منطق و دلایلی نامتقن چندان پخته نیز به نظر نمی‌رسد. اینکه آیا ارتش انگلیس می‌دانسته روزی نظامیان آل سعود برای کمک به آل خلیفه به بحرین گسیل می‌شوند سوالی است که پاسخی روشن ندارد. و نمی‌توان از این راه نقش انگلیس را در این سرکوب نمایش داد.

شاهد دیگر شبکه خبر برای این مورد خبر سفر ولیعهد بحرین به لندن است. در مورد خبر دخالت انگلیس در سرکوب قیام مردم بحرین توضیح دادیم که ناشیانه خبر آن ساخته پرداخته شده بود اما این امر خود نشان‌دهنده این است که شبکه خبر علاقه مند به نشان دادن نقش انگلیس در آن جریان بوده. سفر ولیعهد بحرین به لندن هر ذهنی را به این سو می‌برد که انگلیس به آل خلیفه برای بقا کمک خواهد نمود. نکته دیگر اینکه درباره جدایی بحرین از خاک ایران نیز دست انگلیس‌ها در کار بوده و لذا در این جا با این زمینه تاریخی دخالت انگلیس پر رنگ می‌شود و کاملاً می‌پذیریم که اینک نیز انگلستان در این بحران دخالت‌هایی در مورد بحرین انجام دهد. انگلیس قطعاً با این تصویر در کنار

آل خلیفه و آل سعود علیه مردم بحرین که به پا خواسته‌اند تصویر می‌گردد. اما از آنجا که ما تحلیل‌ها را هم زمان و در زمان انجام داده‌ایم باید گفت تصویر از انگلستان تصویری منفعت طلب و ضد مردمی است.

د-3) آمریکا نیز به عنوان کشوری در این اخبار تصویر شده که قصد منحرف کردن این جنبش‌ها را دارد و با سیاست یکی به میخ و یکی به نعل زدن قصد سیاسی‌کاری دارد. اگر آمریکا حمایتی هم از مردم نکند با قصد سو استفاده است. رژیم صهیونیستی در چند مورد در کنار نام آمریکا آمده تا هدف آنها در این رابطه یکی نشان داده شود و خواست آمریکا همان خواست اسرائیل نشان داده شود. از سویی دیگر نقش اسرائیل در رابطه با اخبار مصر و گذرگاه رفح کشوری زیان دیده در رابطه با تحولات در مصر است. پس منطقی است که اسرائیل کوشش خواهد کرد دیگر چنین انقلاباتی رخ ندهد. آمریکا میزبان ولیعهد بحرین شد و سخنان هیلاری کیلینتون در حمایت از آل خلیفه نشان دهنده اراده آمریکا درباره جلوگیری از وقوع انقلاب در بحرین است چرا که آل خلیفه را هم پیمان خود خوانده است.

باید دانست این تصویر بیان کننده نظریه "آمریکای جهان خوار" است چرا که آمریکا اینگونه تصویر شده که نمی‌خواهد توازن قدرت بر علیه خویش بر هم بخورد و در این میان اصلاً اهمیت ندارد که مردم کشورها چه می‌خواهند. پس مشخصاً آمریکا و اسرائیل مخالف اینگونه جنبش‌های مردمی و تغییر نظام‌های دیکتاتوری‌اند. خبر پیش رو نشان دهند دست داشتن آمریکا در اتفاقات لیبی و سیاست نان به نرخ روز خوردن آمریکا است "از لیبی خبر می‌رسد نیروهای مخالف رژیم قذافی در مسیر پیشروی به "طرابلس" پایتخت این کشور به مناطق مشرف به شهر "زلتان" رسیده‌اند. درگیری‌ها در مصراته هم با شدت ادامه دارد. اوضاع انسانی این شهر فاجعه بار است و ساکنان از کمبود آب و برق به علت حملات نیروهای قذافی رنج می‌برند. تحقیقات نهادهای حقوق بشر مستقل نشان می‌دهد بمب‌های خوشه‌ای که رژیم قذافی علیه مردم مصراته استفاده کرده محصول نیروی دریایی آمریکاست. جنگنده‌های "ناتو" هم بمباران مراکز مهمی در منطقه "باب العزیزیه" مقر "معمّر قذافی" دیکتاتور لیبی ادامه می‌دهند اما از سرنوشت قذافی خبری در دست نیست. همزمان با شروع این خبر ملاحظه می‌کنیم که تصاویری از تیر اندازی‌های افراد شبه نظامی پخش می‌گردد. وضعی که مشاهده می‌شود بیانگر خوب بودن امر پیشروی مخالفان و هم بد بودن اوضاع زندگی مردم است.

علت وضع بد مردم در مصراته حملات نیروهای قذافی بیان شده است و این نشان می‌دهد قذافی مسبب این وضع وخیم مردم است. در ادامه خبر اما این اوضاع بد مردم علاوه بر قذافی شریکی هم پیدا می‌کند و این شریک کسی نیست جز آمریکا چرا که بمب‌های خوشه‌ای بکار گرفته شده توسط قذافی را آمریکا به این کشور فروخته است و ساخت نیروی دریایی آمریکا است. می‌دانیم که بکارگیری بمب خوشه‌ای همواره توسط نهاد‌های حامی حقوق بشر محکوم بوده است پس ساخت و فروش آنها طبعاً جرمی کمتر از استفاده از آن ندارد شریک کردن آمریکا در اینجا بسیار بهتر از شریک کردن انگلیس در سرکوب قیام مردم بحرین انجام شده و خبر پخته تر است. در پایان هم بر بی‌ثمر بودن حملات ناتو باز تاکید شده و می‌بینیم که حملات ناتو فشاری بر قذافی وارد ننموده است. این خبر اجازه نخواهد داد تا اینگونه تصور شود که آمریکا حامی قیام مردم لیبی است.

در باره بحرین نیز آمریکا شدیداً حمایت گر آل خلیفه تصویر شده که این خبر بخوبی این امر را نشان می دهد. شیخ سلمان بن حامد آل خلیفه، ولیعهد بحرین که به آمریکا رفته است با رئیس جمهور، وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی این کشور دیدار و گفتگو کرد. باراک اوباما و هیلاری کلینتون در دیدار ولیعهد بحرین، بار دیگر حمایت راسخ خود را از حکومت آل خلیفه به عنوان هم پیمان منطقه ای آمریکا، اعلام کردند. این خبر که در تاریخ 1390/3/18 به روی آنتن رفت. نشان دهند همان حمایت ایالات متحده از حکومت بحرین است حمایتی که به دلیل اعمال ضد حقوق بشر آل خلیفه حمایتی نا درست و نا بجا تلقی می گردد. این طور به نظر می رسد که آمریکا برای حفظ کردن نماینده اش در خاور میانه می کوشد و از آنان حمایت می کند تا در رأس قدرت بمانند. از این رو می توان گفت پس از این خبر آنچه آل خلیفه انجام می دهد با حمایت عربستان و آمریکا یا حمایت عربستان و توصیه آمریکا خواهد بود. این سفر می تواند برای این هدف انجام شده باشد که ولیعهد جهت چاره جویی به آمریکا رفته است لذا پس از این هر گونه کشتار و سرکوب نتیجه مشاورت آمریکا نیز می تواند باشد.

د-4) حال می پردازیم به روسیه کشوری که به عنوان یک مخالف جدی در برابر حملات ناتو معرفی می شود. کشوری که در چند خبر شاهد بودیم چگونه حملات ناتو را محکوم نمود. مانند خبری که در 1390/3/4 بخش 19 پخش شد. "روسیه بمباران اخیر ناتو را در طرابلس را "خروج خطرناک" از قطعنامه های سازمان ملل درباره لیبی خواند و درباره افزایش بیشتر خشونت ها در این کشور هشدار داد". باید در نظر داشت که اساساً اگر به چگونگی شکل گیری ناتو دقت کنیم خواهیم فهمید که روسیه و ناتو دو نیروی متقابل هستند، پس این امر طبیعی خواهد بود که اقدام هر طرف از سوی دیگری محکوم گردد. قطعاً در صورت دخالت روسیه در لیبی، ناتو هم همین مواضع را می داشت. لذا بیش از این که این موضع گیری روسیه در راستای حمایت از مردم لیبی باشد در جهت حفظ منافع خویش و دنبال کردن سیاست آن کشور است. روسیه همچنین در این تصویر کشوری است که با بیان کردن این مطلب که حل بحران لیبی راه حل نظامی ندارد و باید با گفتگو همه چیز را حل کرد چنین می نماید که مخالف جنگ بطور کلی است و اهل مذاکره و گفتگو است. چیزی که لا اقل تاریخ مشترک ایران و روسیه آن را تایید نمی کند و قرار داد هایی که بعد از جنگ ها بین ایران و حکومت وقت روس در زمان قاجار امضا شده به صورت ضرب المثل برای قرارداد های یک طرفه و ظالمانه در آمده اند. از این منظر و علیرغم این زمینه تاریخی در هر حال سعی شده روسیه در حالتی معکوس ناتو ضد جنگ تصویر گردد و حامی مردمان لیبی و خیر خواه آنان نشان داده شود. البته میانجیگری روسیه از سوی حکومت قذافی رد شد و این خود تقصیرها را به سمت قذافی می برد.

د-5) در باره اتحادیه آفریقا هم تنها اشاره ای کوتاه در خبرها موجود و این اتحادیه هم راه حل نظامی را برای لیبی مناسب نمی دانست و حملات لیبی را محکوم کرد. طبیعی است این اتحادیه تنها در مورد لیبی نقش دارد. این نگاه پذیرفته تر از نگاه روسیه است. هر چند در ذات یکی است اما نگرانی اتحادیه آفریقا از دخالت ناتو منطقی تر از روسیه است چرا که احتمالاً همسایگان لیبی احساس خطر کرده اند و ضمن اینکه منطقی است که این اتحادیه به آنچه در کشور های عضو آن می گذرد حساس تر باشد. از نام این اتحادیه برای بی جا بودن دخالت ناتو به خوبی استفاده شده و بسیار منطقی این دخالت زیر سوال می رود. بدین سان اتحادیه آفریقا در نقشی میانجی تا حدودی حامی مردم لیبی تصویر می گردد. در تاریخ 1390/3/5 خبر پیش رو به روی آنتن رفت که تحلیل ما را ثابت می نماید "اتحادیه آفریقا

باردیگر پایان حملات هوایی ناتو به لیبی را خواستار شد. این اتحادیه بر لزوم یافتن راه حل سیاسی برای پایان دادن به بحران لیبی تأکید کرد. این درخواست اتحادیه آفریقا در حالی مطرح شد که پیشنهادهای پیشین این اتحادیه برای آتش بس در لیبی، رد شده است.

د-6) اینک ناتو و نقش آن در تحولات لیبی. ناتو همانطور که گفتیم پیمانی است مابین چندین کشور که در اصل بخاطر خطر حملات شوروی سابق شکل گرفته بوده است. لذا نام ناتو در این اخبار نماینده غرب است و رفتار آن نشان دهنده تصمیم‌گیری دولت‌های اروپایی و بعضاً آمریکایی است. ناتو در اینجا نیرویی تصویر شده که همواره شهر طرابلس را بمباران هوایی می‌کند در چند خبر احتمال نقض پیمان‌های بین‌المللی به لحاظ حملات زمینی را نیز مشاهده کردیم. از این رو این نیروی غربی بی‌جا و بی‌فایده به شهرهای لیبی حمله هوایی می‌کند. این تصویر به ما می‌گوید که کشور های غربی به خود اجازه می‌دهند که برای دیگر کشورها سرنوشت تعیین کنند.

ناتو در این جا با اخباری که درباره کشته شدن غیر نظامیان دیدیم نیروی خشن و مهاجم و خارجی ترسیم شده که قصد آن خیر و صلاح مردم لیبی نیست چرا که اگر بود نباید در حملات هوایی به شهر ها آسیب می‌زد و مردم بی گناه را قربانی می‌کرد. از این منظر ناتو همان کشورهای غربی هستند که با دخالت خود نمی‌گذارند مردم برای سرنوشت خویش تصمیم بگیرند. این تصویر قطعاً دارای تفاوت‌های اساسی با دیدگاه های سران ناتو است که این تفاوت در بحث ما نمی‌گنجد اما یقیناً ناتو خود را در نقش منجی مردم لیبی جلوه می‌دهد، که آنها را از دست قذافی رها خواهد کرد. در هر حال ناتو نیرویی حامی مردم در این اخبار نیست هرچند کاملاً کنار قذافی هم نیست. اما در کشتن مردم تفاوتی بین ناتو و قذافی نیست. در کل ناتو نیرویی بر علیه مردم تصویر می‌گردد. خبر " حملات هوایی ناتو به محل سکونت قذافی در طرابلس هم شب و روز ادامه دارد و اهداف غیر نظامی پایتخت لیبی هم از بمبارانها بی نصیب نمانده است" در تاریخ 1390/3/8 رویکردی دارد که نشان می‌دهد آنچه ناتو در حال انجام آن است به ضرر مردم لیبی است. و خبر بعدی که تیترا آن را می‌آوریم نشان دهنده مواجهه‌ی مردم لیبی با ناتو و نیرو های قذافی بطور همزمان است "غیرنظامیان لیبی قربانی اصلی بمبارانهای ناتو، شهر زنتان آماج حملات نیروهای قذافی".

د-7) در آخر همه نتایج می‌رسیم به تصویری که از کشورمان در اخبار شبکه خبر در رابطه با جنبش‌های مردمی کشورهای اسلامی در شبکه خبر نمایش داده شده. این تصویر بیشتر ما حصل اخبار مربوط به سفر هیئت مصری به تهران و سخنرانی امام جمعه قاهره در نماز جمعه تهران است و همچنین خبر برگزاری همایش بیداری اسلامی است.

با توجه به اخبار دیدار های مقام های مهم ایرانی (رئیس جمهور، رئیس سازمان صدا و سیما، شهردار تهران) با این هیئت و سخنان امام جمعه قاهره در نماز جمعه درک می‌کنیم که نقش ایران از این جنبش‌ها حمایتی است. البته این حمایت تا جایی ادامه دارد که این جنبش‌ها توسط آمریکا و صهیونیسم منحرف نشوند. پس ایران در کنار مردمی که قیام کرده اند نمایش داده شده و حامی مردم مظلوم (درباره این مظلومیت در بخش تصویر مردم صحبت کردیم) می‌باشد.

نقش ایران البته ابدأ دخالت نبوده و در هیچ کدام از این کشور ها دخالتی مستقیم انجام نداده همانطور که در سخنان مقامات ایرانی حمایت معنوی از جنبش مردم مصر مورد تأکید بود. خبری که در ادامه می‌آوریم به خوبی نشان دهنده

این گفته می باشد "رئیس سازمان صداوسیما در جمع شخصیت های فرهنگی و رسانه ای مصر، آینده مصر درخشان در سایه اسلام، حمایت معنوی از انقلاب مردمی مصر با توان رسانه ای جمهوری اسلامی ایران" باید بدانیم در رسانه های خارجی اتهاماتی به ایران درباره دخالت در بحرین در این مدت زده می شد که با چنین تصویری این دخالت تکذیب می گردد. از سوی دیگر ایران الگویی برای این کشور ها ترسیم می شود اگر به اخبار با دقت بنگریم می بینیم که با مثال های فراوان انقلاب مردم ایران الگویی برای مردمی که به اعتراض می پردازند تبدیل شده از این منظر ایران نقش خود را چون الگو و مثال برای این کشورها می داند. همچنین در گوشه کنار اخبار با موضع گیری علیه حاکمان و به نفع مردم شاهد حمایت رسانه ای شبکه خبر به عنوان یک تلویزیون دولتی از جنبش های مردمی هستیم این امر صراحتاً در سخنان رئیس سازمان صدا و سیما هم مشهود بود، جایی که آمده بود: توان رسانه ایی ایران برای حمایت از حرکت های مردم مصرف می گردد. که تیترا خبر را در بالا آوردیم: خبری که در 1390/3/10 پخش شد.

همچنین خبر دیدار رئیس جمهور با هیئت مصری نیز بر حمایت ایران از جنبش های اسلامی تاکید دارد. تیترا این خبر بازگو کننده این ادعا است جایی که در تاریخ 1390/3/11 بخش 19 آمده بود "رئیس جمهور در دیدار نخبگان، علما و فعالان رسانه ای مصر، عزت و پیشرفت مصر عزت و پیشرفت ایران است" پیوند دادن سر نوشت دو کشور مسلماً نشان دهنده هدف های مشترک است. و این اهداف با توجه به شاخصه های حکومت ایران پس از انقلاب مردمی در 1357 قطعاً اهدافی اسلام گرایانه است.

حال در می یابیم که بیشتر نام هایی که درباره این تحولات مطرح می شده است بر علیه مردم قیام گر تصویر شده اند و اصولاً دخالت سایرین معمولاً به زیان مردم بوده است. باید توجه داشت که این دخالت ها چنین تصویر شده که بخاطر منفعت کشورهای دخالت کننده بوده است و آن کشور ها به خاطر منفعت خود در کنار حاکمان مستبد و علیه مردم بسیج شده اند.

منابع و مأخذ:

- 1- سرو نت، پیر، خیانت رسانه‌ها، ترجمه محمد رضا دهشیری، 1387، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی
- 2- فرکلافت، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، 1379، چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- 3- میرفخرایی، تژا، فرایند تحلیل گفتمان، 1383، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- 4- میرفخرایی، تژا، مفاهیم نظری و عملی خبر تلویزیونی، 1385، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما
جمهوری اسلامی ایران
- 5- مهدی زاده، سید محمد مهدی، رسانه‌ها و بازنمایی، 1387، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- 6- ون دایک، تئون ای، مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، گروه مترجمان، 1382،
چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها

How Represented Public movement of Islamic Countries in IRINN News

Teja mir fakhraei (Ph.D)*

Ali Mirzaei Tabesh (MA)**

Abstract

The goal of this article is to show that the way of how IRINN broadcast the image of public movements in Islamic countries. So we use sampling of news parts of IRINN and survey and processing news to show the presented images.

The method of research is based on social discourse analysis which is just qualitative analysis. After processing the news we extracted some results and these results show that IRINN has defended from these public movements.

IRINN showed that some countries for example USA and Britain are wishful to gravel or divert these movements. Also IRINN show that movements have Islamic theme. In the other hand governors of countries which have political crisis (Tunisia, Egypt, Libya, Bahrain, and Yemen) are shown as dictatorship governor. People of these countries are shown people how have protested to make revolution not change or reformation.

The result of this research shows that IRINN has pointed that these movements are a current resulted from Islamic Iran revolution.

Key words: Movement, Islamic Countries, IRINN, News, Discourse, Representation

* Assistant Professor and Faculty Member-Islamic Azad University/Tehran Central Branch tejavoice@gmail.com

** MA in Communication-Islamic Azad University/Tehran Central Branch tabesham@gmail.com